

تفسیر ساختاری سوره بینه با تبیین قواعد روش تفسیر ساختاری سوره‌های قرآن

محمد خامه‌گر*

چکیده

یکی از روش‌های نوین در تفسیر قرآن کریم، روش تفسیر ساختاری است که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به آن شده است. روش تفسیر ساختاری بر مبنای نظریه هدفمندی سوره‌های قرآن اجرا می‌شود. برای ارائه تفسیر ساختاری یک سوره از قرآن کریم باید دو مرحله طی شود؛ در مرحله نخست باید با توجه به قواعد علمی، ساختار و غرض سوره را به روش استدلالی کشف کرد و محتوای سوره را فصل‌بندی نمود؛ در مرحله دوم با توجه به کیفیت ارتباط آیات در ساختار سوره و معنای تفسیری آیات، متن تفسیر ساختاری سوره را به روش پیوسته ارائه کرد. در این مقاله ابتدا ویژگی‌های تفسیر ساختاری و سپس قواعد کشف ساختار و غرض سوره‌های قرآن بیان شده است و در پایان سوره بینه مطابق دو مرحله فوق به روش ساختاری تفسیر شده است تا امتیازها و کارکردهای روش تفسیر ساختاری تبیین گردد و جهت‌گیری محتوایی سوره بینه آشکار شود.

واژگان کلیدی

سوره بینه، تفسیر ساختاری، قواعد تفسیر ساختاری.

m.khamegar@isca.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۲

*. استادیار گروه قرآن و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۶

طرح مسئله

یکی از روش‌های نوین در تفسیر قرآن کریم روش تفسیر ساختاری است که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به آن شده است. مسئله‌ای که در این مقاله بررسی می‌شود، تبیین قواعد و فرآیند استفاده از روش تفسیر ساختاری برای تفسیر یک سوره قرآن است. سؤال اصلی آن پژوهش آن است که برای آنکه از ساختار و غرض سوره برای تفسیر آیات و کشف مراد الهی از محتوای آیات استفاده شود، مفسر باید چه مراحل را در تفسیر ساختاری رعایت کند؟ و در هر مرحله باید چه قواعدی را رعایت نماید؟ برای معرفی قواعد روش تفسیر ساختاری در این مقاله سه مطلب مهم بیان می‌شود و در انتها تفسیر ساختاری سوره بینه با رعایت همه قواعد ذکر شده ارائه می‌گردد.

۱. مبنای نظری روش تفسیر ساختاری

روش تفسیر ساختاری بر مبنای نظریه هدفمندی سوره‌های قرآن طراحی شده است. نظریه هدفمندی سوره‌های قرآن از مباحثی است که در سال‌های اخیر مورد توجه خاص قرآن‌پژوهان و مفسران به‌ویژه سید قطب در *تفسیر فی ظلال القرآن* و سعید حوئی در *الأساس فی التفسیر و علامه طباطبایی در المیزان* قرار گرفته است. براساس این نظریه هر سوره دارای یک پیام اصلی است و محتوای سوره با فصل‌ها و مقاصد فرعی قابل تفکیک است. هر دسته از آیات به لحاظ تناسب درونی و ارتباط نزدیکی که با یکدیگر دارند، ذیل یک گفتار قرار می‌گیرند. براساس این نگرش جدید به محتوای سوره‌های قرآن روش جدیدی در تفسیر قرآن با عنوان تفسیر ساختاری ابداع شده است که نخستین بار این عنوان در کتاب *التفسیر البنایی* تألیف محمود بستانی (بستانی، ۱۴۲۴: ۱ / ۱۰) و سپس در کتاب *ساختار هندسی* (خامه‌گر، ۱۳۸۳: ۴۷) به‌کار رفته است و تاکنون مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های متعددی نیز با این عنوان تدوین شده است و به یک روش تفسیری رایج تبدیل گردیده است.

۲. کارکردهای روش تفسیر ساختاری

روش تفسیر ساختاری مانند سایر روش‌های تفسیری کارکردهای علمی خاصی دارد که برای نمونه در این نوشتار به دو کارکرد مهم آن در فرآیند تفسیر اشاره می‌شود. نخستین و مهم‌ترین کارکرد نگرش ساختاری به سوره‌های قرآن این است که با توجه به ساختار و غرض سوره می‌توان برخی از اختلاف‌های تفسیری مفسران را بررسی کرد و نظریه‌ای را که با ساختار سوره هماهنگ‌تر است، ترجیح داد؛ زیرا اگر بپذیریم که هر سوره دارای غرض واحدی است که مجموع آیات سوره برای تبیین و تشریح آن غرض گردهم آمده‌اند، در نتیجه هر دیدگاه تفسیری که با غرض سوره مخالفت داشته باشد، قابل قبول نخواهد

بود. (خامه‌گر، ۱۳۸۳: ۴۴) غرض سوره آن قدر در حل اختلاف‌های تفسیری مؤثر است که مفسر توانمندی مانند علامه طباطبایی در تفسیر المیزان حتی برای نقادی شأن نزول‌های نقل شده برای یک سوره در برخی موارد به ساختار و غرض سوره استناد می‌کند؛ برای نمونه ایشان در تفسیر آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ» (غافر / ۵۶) روایاتی را از الدر المثور به‌عنوان شأن نزول نقل می‌کند و سپس آنها را از آن جهت که با غرض سوره غافر ناسازگارند، غیر قابل قبول و مردود می‌شمارد. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۷ / ۵۵۵) دومین کارکرد روش تفسیر ساختاری این است که در این روش تفسیری مفسر افزون بر تفسیر آیات به کیفیت ارتباط آیات کل سوره با یکدیگر نیز کاملاً توجه می‌کند و متنی پیوسته به خواننده ارائه می‌دهد و خواننده با مطالعه متن تفسیری با جهت‌گیری سوره و پیام‌های تربیتی آن آشنا می‌شود.

۳. فرایند روش تفسیر ساختاری

برای ارائه تفسیر ساختاری یک سوره از قرآن کریم باید دو مرحله را طی نمود؛ در مرحله نخست باید مفسر با توجه به قواعد علمی، ساختار و غرض سوره را به روش استدلالی کشف کرده و محتوای سوره را فصل‌بندی نماید. در مرحله دوم باید مفسر با توجه به کیفیت ارتباط آیات در ساختار سوره و معنای تفسیری آیات متن تفسیری سوره را به روش پیوسته، ارائه نماید. در این مقاله ابتدا قواعد کشف ساختار و غرض سوره‌های قرآن بیان شده است و سپس تفسیر ساختاری سوره بینه با طی نمودن دو مرحله فوق ارائه می‌شود.

قواعد کشف استدلالی غرض و ساختار سوره‌های قرآن

مفسرانی که به هدفمندی سوره‌های قرآن اعتقاد دارند برای شناسایی غرض اصلی سوره از دو رویکرد توصیفی و استدلالی استفاده می‌کنند. در رویکرد توصیفی، مفسر با مطالعه آیات هر سوره تلاش می‌کند با روح حاکم بر سوره ارتباط برقرار نموده و موضوعی را که در برخی از آیات سوره به آن اشاره شده و سوره تأکید بیشتری بر آن دارد، با عبارتی کلی به‌عنوان غرض سوره مشخص نماید؛ برای نمونه محمدعلی صابونی در تفسیر صفوه التفاسیر درباره غرض سوره «جن» با توجه به موضوعات مختلفی که در این سوره درباره جن‌ها مطرح شده، می‌نویسد: «فضای کلی سوره به ما می‌فهماند که موضوع سوره در مورد جن است.» (صابونی، ۱۴۲۱: ۸ / ۴۳۲)

در این رویکرد، مفسر موضوع یا مطلبی را که از نظر او از برجستگی و اهمیت بیشتری در مجموع سوره برخوردار است، به‌عنوان غرض سوره معرفی می‌کند. این رویکرد دو اشکال مهم دارد: نخست آنکه غرض کشف‌شده بیش از اندازه کلی است و دوم آنکه فرآیند کشف غرض ضابطه‌مند نیست و بیشتر تابع

گرایش مفسر و برداشت کلی او از سوره است اما در رویکرد استدلالی مفسر تلاش می‌کند با تکیه بر شواهد درون‌متنی و برون‌متنی سوره، غرض سوره را کشف نموده و کیفیت راهیابی خود را به غرض سوره به‌طور مستدل و ضابطه‌مند بیان نماید. در این رویکرد برای راهیابی به غرض سوره با رعایت قواعد و ضوابطی که بر اصول محاوره عقلایی مبتنی هستند پنج مرحله زیر را باید طی شود:

مرحله یکم: گفتاربندی سوره با توجه به میزان پیوستگی لفظی و معنایی آیات همجوار

نخستین مرحله برای شناسایی ساختار و غرض سوره‌ها، بررسی کیفیت پیوستگی و گسستگی آیات در چارچوب انسجام سوره به‌عنوان یک متن واحد است. در این مرحله به همه عوامل پیوستگی نحوی، اسلوبی، معنایی آیات با یکدیگر توجه نموده و هر دسته از آیات مرتبط را در یک گفتار قرار داده می‌شود. مراد از عوامل لفظی پیوستگی آیات، سه عامل است: عامل نخست اسماء و حروف ربط‌دهنده مانند ضمائر غایب و «واو» عاطفه است؛ عامل دوم، ساختارهای نحوی است که ارکان آنها از نظر لفظی و معنایی به یکدیگر وابسته هستند و اگر یکی از آنها در یک آیه قرار گیرد و دیگری در آیه بعد باشد موجب پیوستگی آیات می‌شود. مانند: صفت و موصوف، حال و ذوالحال، قسم و جواب آن؛ سومین عامل تکرارهای اسلوبی است که مهم‌ترین و رایج‌ترین آنها عبارتند از: تکرار یک لفظ در آغاز آیات، تکرار یک عبارت در پایان آیات و تکرار کامل برخی از آیات به روش ترجیع‌بند.

مراد از عوامل معنایی پیوستگی آیات، عواملی هستند که بیانگر پیوستگی محتوایی و ارتباط پی‌درپی مفاهیم آیات است. آیات مختلف یک سوره تنها در صورتی می‌توانند در یک سیاق قرار بگیرند و یک گفتار را تشکیل دهند که از نظر محتوایی متمم یکدیگر باشند. در یک تقسیم‌بندی کلی عوامل پیوستگی معنایی را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود:

دسته نخست، عواملی هستند که تنها در حد مرتبط کردن دو آیه همجوار کاربرد دارند، مانند تبیین محتوای یک آیه به‌وسیله آیه بعدی یا تعلیل نکته ذکرشده در آیه قبلی با عبارتی که در آیه بعدی ذکر می‌شود. دسته دوم، عواملی است که ارکان یک ساختار معنایی را تشکیل می‌دهد، برای نمونه اگر در تعدادی از آیات یک سوره یک شبهه مطرح شده باشد و چند پاسخ به آن داده شود، مجموع این آیات یک گفتار را تشکیل می‌دهند و اگر تعدادی از آیات صحنه‌های مختلف یک داستان را بیان کنند، مجموع این آیات یک گفتار را تشکیل می‌دهند.

مرحله دوم: عنوان‌گذاری گفتارهای سوره

پس از کشف ارتباط آیات و شناسایی محدوده سیاق‌ها و گفتارهای سوره، نوبت به کشف جهت‌گیری هر

گفتار و عنوان‌گذاری آنها می‌رسد. از آنجا که آیات هر گفتار از سیاق لفظی و معنایی واحدی برخوردار هستند، با توجه به این سیاق و جهت‌گیری محتوایی آیات، مقصود و پیام اصلی هر گفتار را می‌توان درک کرد و عنوان مناسبی برای آن در نظر گرفت. در این مرحله باید به این نکته توجه داشت که در عنوان‌گذاری گفتارهایی که مشتمل بر آیات اصل و فرع است، مانند قسم و جواب قسم باید با توجه به محتوای آیه اصلی عنوان گفتار را مشخص کرد، مثلاً بین قسم و جواب قسم، جواب اصل است و در گفتارهایی که مشتمل بر آیاتی است که رابطه اصل و فرع بین آنها نیست، باید با جمع‌بندی مطالب ذکرشده در آیات گفتار، عنوان مناسب گفتار را شناسایی کرد.

مرحله سوم: کشف غرض سوره با جمع‌بندی عناوین و محتوای گفتارهای سوره

پس از گفتاربندی آیات سوره و مشخص نمودن عناوین گفتارها زمینه کشف غرض سوره فراهم می‌شود اگر یک سوره از چند گفتار تشکیل شده باشد. برای کشف غرض سوره‌ها باید عناوین گفتارهای سوره را با هم جمع‌بندی کرد و سپس با توجه به مشترکات لفظی و محتوایی گفتارها، مانند تکرار معنایی یک موضوع، تکرار معنایی یک مضمون، تکرار لفظی یک عبارت یا آیه، غرض کشف‌شده را تقویت نموده و در صورت لزوم آن را اصلاح کرد.

مرحله چهارم: تقویت غرض کشف‌شده با بررسی عناصر درون‌متنی و برون‌متنی سوره

پس از کشف اولیه غرض سوره، با توجه به عناصر درون‌متنی و برون‌متنی سوره، غرضی را که از طریق جمع‌بندی عناوین گفتارها به‌دست آمده است را باید اصلاح یا تقویت کرد.

مراد از عناصر درون‌متنی سوره بررسی نکاتی است که در متن سوره ذکر شده و در جهت‌گیری

محتوای سوره مؤثر است، مانند:

(۱) بررسی جهت‌گیری مشترک آیات آغازین و پایانی سوره؛

(۲) بررسی جهت‌گیری داستان‌های سوره؛

(۳) بررسی واژه‌های کلیدی پر کاربرد در سوره و بررسی نسبت آماری تکرار این واژه در سوره

موردبحث با تکرار آن در کل سوره‌های قرآن؛

(۴) بررسی تعداد آیات مربوط به یک موضوع در سوره.

مراد از عناصر برون‌متنی سوره نیز آن دسته از ویژگی‌های سوره است که در جهت‌گیری محتوای

سوره مؤثر است، نمونه‌ای از عناصر برون‌متنی سوره که با استفاده از آنها می‌توان غرض سوره را تشخیص داد، عبارتند از: (۱) اسم سوره؛ (۲) فضائل سوره؛ (۳) فضای نزول سوره.

با بررسی عناصر برون‌متنی هر سوره می‌توان غرض کشف‌شده از طریق جمع‌بندی عناوین گفتارهای سوره را تقویت یا اصلاح کرد.

مرحله پنجم: دفاع از غرض کشف‌شده

پس از کشف غرض سوره و اصلاح آن با طی نمودن مراحل چهارگانه فوق، در آخرین مرحله برای دفاع از غرض کشف‌شده باید به روش استدلالی اهداف دیگری که توسط مفسران مطرح شده است را نقد و بررسی کرد. این اقدام از دو جهت در کشف علمی غرض سوره ضرورت دارد: نخست آنکه با توجه به اینکه هر سوره تنها یک غرض اصلی دارد، اگر غرض سوره به‌درستی کشف شده باشد، باید بتوان از آن در برابر سایر دیدگاه‌هایی که غرض‌های متفاوتی برای سوره مطرح کرده‌اند، دفاع کرد و نادرستی سایر غرض‌های ادعا شده را ثابت کرد. دومین امری که ارزیابی دیدگاه‌های مخالف غرض کشف‌شده را ضروری می‌سازد، این است که چه بسا در مراحل تحلیل نظرات دیگران مفسر ساختاری متوجه نکاتی شود که هنگام کشف غرض از آنها غافل بوده است و با این اقدام غرض کشف‌شده را متقن‌تر نماید. (خامه‌گر، ۱۳۹۶: ۱۰۴)

تفسیر ساختاری سوره بیّنه

همان‌گونه که در بخش نخست این نوشتار بیان شد، برای ارائه تفسیر ساختاری یک سوره قرآن باید دو مرحله را طی نمود. در مرحله نخست باید مفسر با توجه به قواعد علمی، ساختار و غرض سوره را به روش استدلالی کشف کرده و محتوای سوره را فصل‌بندی نماید. در مرحله دوم باید مفسر با توجه به کیفیت ارتباط آیات در ساختار سوره و معنای تفسیری آیات متن تفسیری سوره را به روش پیوسته ارائه نماید. با توجه به فرآیند فوق مراحل تفسیر ساختاری سوره بیّنه در دو بخش زیر بیان می‌شود:

۱. کشف ساختار و غرض سوره بیّنه

با توجه به مراحل کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، غرض اصلی سوره بیّنه، بیان این حقیقت است که خدای سبحان با بعثت پیامبر اکرم ﷺ و ارائه معارف سعادت‌بخش اسلام حجت را بر کافران و اهل‌کتاب تمام کرده است و اگر آنها با وجود این دلایل روشن به رسول خدا ایمان نیاورند، بدترین موجودات عالم خواهند بود و مستحق عذاب الهی هستند. مراحل کشف غرض سوره بیّنه به شرح زیر است:

مرحله نخست: گفتاربندی آیات سوره بیّنه

سوره بیّنه از دو سیاق تشکیل شده است که هر سیاق یک گفتار نامیده می‌شود:

گفتار یکم (آیات ۱ تا ۵)

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ * رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً * فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ * وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ * وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ.

ارتباط لفظی آیات این گفتار بدین شرح است که «رَسُولٌ» در آیه دوم بدل از «الْبَيِّنَةُ» در آیه یکم است (صافی، ۱۴۱۸: ۳۰ / ۳۷۶) و بدین ترتیب آیه دوم واژه «بینه» را که در آیه یکم است را تشریح می‌کند و مرجع ضمیر «فِیْهَا» در آیه سوم به «صُحُفًا» در آیه دوم بازگشت دارد و ویژگی‌های صُحُف را بیان می‌نماید. آیه چهارم با واو عطف به قبل متصل است و مراد از «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» در آیه چهارم همان «أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ» در آیه نخست است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۲۷ / ۲۰۰) تکرار واژه بینه در آیه یکم و چهارم نیز یکی از عوامل پیوستگی لفظی این آیات است. آیه پنجم نیز به آیه چهارم عطف شده است (صافی، ۱۴۱۸: ۳۰ / ۳۷۸) و ضمیر «هم» مستتر در کلمه «أُمِرُوا» نیز به «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» در آیه چهارم باز می‌گردد. ارتباط معنایی آیات این گفتار از این جهت است که تمام این آیات درباره اتمام حجت بر مشرکان و اهل کتاب با بعثت پیامبر اسلام و مخالفت عنادآمیز آنها با دعوت توحیدی پیامبر اکرم است.

گفتار دوم (آیات ۶ تا ۸)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ * إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ.

آیه ششم از این جهت سرآغاز گفتاری جدید است که اولاً هیچ اتصال ادبی با قبل ندارد و ثانیاً از نظر محتوایی نیز جهت‌گیری آن با آیات قبل متفاوت است؛ زیرا از این آیه به بعد سخن از مقایسه فرجام کافران با مؤمنان است و در آیات قبل سخن از اتمام حجت بر کافران بود.

ارتباط لفظی آیات این سیاق از نوع ارتباط اسلوبی است؛ بدین ترتیب که آیه ۶ و ۷ هر دو با تعبیر «إِنَّ الَّذِينَ» شروع شده است و عبارت «أُولَئِكَ هُمْ» نیز در هر دو آیه تکرار شده است. ارتباط لفظی آیه ۸ با آیه ۷ نیز بدین صورت است که ضمائر «هم» در آیه ۸ به «الَّذِينَ آمَنُوا» در آیه ۷ برمی‌گردد. ارتباط معنایی آیات این سیاق بدین‌گونه است که در آیه ۶ عذاب اخروی کفار و منکران رسالت

پیامبر اسلام ﷺ بیان شده است و در آیه ۷ و ۸ پاداش اخروی مؤمنان به پیامبر اسلام بیان شده است در نتیجه آیه هفتم و هشتم در تقابل با آیه ششم است و این ارتباط محتوایی موجب قرار گرفتن هر دو آیه در یک سیاق می‌گردد.

مرحله دوم: عنوان‌گذاری گفتارهای سوره بینه

سوره بینه از دو گفتار تشکیل شده با توجه به قواعد عنوان‌بندی گفتارهای سوره عناوین مناسب برای هر گفتار به شرح زیر است:

در گفتار نخست سوره بینه به دو مطلب اشاره شده است مطلب یکم (آیات ۱ تا ۳) درباره این حقیقت است که اهل کتاب و مشرکان هیچ‌گاه از عقاید شرک‌آمیز خود دست بر نداشتند، با آنکه پیامبر اسلام ﷺ که دلیلی روشن برای تبیین دین خدا بود، برای هدایت آنها آمده و دارای ویژگی‌هایی بود که جای هیچ تردیدی در حقانیت او وجود نداشت.

در مطلب دوم (آیات ۴ و ۵) نیز به این حقیقت اشاره شده است که مخالفان اسلام درحالی که حق را تشخیص داده بودند با آن مخالفت کردند و به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم شدند، این درحالی بود که محتوای تعالیم پیامبر اسلام کاملاً توحیدی بود و هیچ نکته منفی در آن وجود نداشت تا آنها دلیلی برای مخالفت با پیامبر اکرم ﷺ داشته باشند. بنابراین با آنکه با بعثت پیامبر اسلام بر آنها اتمام حجت شده بود اما آنها با لجاجت تمام با تعالیم اسلام مخالفت می‌کردند.

برای عنوان‌بندی گفتار یکم باید محتوای دو مطلب فوق جمع‌بندی شود. جمع‌بندی محتوای دو مطلب این گفتار که اولی درباره «پافشاری اهل کتاب و مشرکان بر کفر خود پس از بعثت پیامبری که حجت روشن الهی است» می‌باشد و دومی «درباره مخالفت آگاهانه اهل کتاب و کافران با دعوت توحیدی پیامبر اسلام و معارف ارزشمند قرآن» است، مشخص می‌گردد که عنوان مناسب برای این گفتار عبارت است از: «مخالفت آگاهانه اهل کتاب و مشرکان با پیامبر اسلام که حجت روشن الهی است.»

در گفتار دوم نیز به دو مطلب اشاره شده است، ابتدا در آیه ۶ به این حقیقت اشاره می‌شود که کسانی که با تعالیم پیامبر اسلام ﷺ مخالفت کردند، بدترین مخلوقات خدا هستند و از این رو تا ابد در آتش دوزخ به سر خواهند برد. در مطلب دوم (آیات ۷ و ۸) نیز در مقابل، به این حقیقت اشاره شده است که کسانی که به پیامبر اسلام ایمان آورده کارهای شایسته انجام داده‌اند بهترین مخلوقات خدا هستند و تا ابد در بهشت از نعمت‌های الهی بهره‌مند خواهند بود.

گرچه در این گفتار نیز به عذاب دشمنان پیامبر و هم پاداش پیروان او اشاره شده است اما با توجه به اینکه جهت‌گیری اکثر آیات سوره درباره رفتارها و فرجام مخالفان پیامبر اسلام ﷺ اعم از مشرکان و

اهل کتاب است، از این رو جهت اصلی این گفتار نیز تأکید بر عذاب دشمنان پیامبر است و ذکر پاداش مؤمنان نیز در همین راستا و برای بیان این حقیقت است که مبدا مخالفان پیامبر تصور کنند که در روز قیامت هیچ تفاوتی بین طرفداران پیامبر اسلام و مخالفان او وجود ندارد و به دلیل آنکه مخالفان پیامبر به ویژه اهل کتاب هم به وجود خدا اعتقاد دارند، پس آنها نیز در روز رستاخیز در بهشت خواهند بود. با توجه به این نکته رابطه مطالب این گفتار رابطه اصلی و فرعی است و برای شناسایی پیام اصلی و عنوان این گفتار باید فقط به مطلب اصلی توجه کرد. در نتیجه نباید پاداش مؤمنان در ردیف عذاب کافران قرار داده شود و از هر دو با یک تعبیر مساوی یاد شود، بلکه عنوان «بیان عذاب اهل کتاب و مشرکان در صورت مخالفت با پیامبر اسلام ﷺ» با تأکید بر پاداش مؤمنان» بیانگر غرض این گفتار است.

مرحله سوم: کشف غرض سوره بینه با توجه به جمع‌بندی عناوین و محتوای گفتارهای سوره
پس از گفتاربندی آیات سوره بینه و مشخص نمودن عناوین گفتارها، به مرحله کشف غرض سوره می‌رسیم. با توجه به اینکه سوره بینه دارای دو گفتار است، برای شناسایی غرض آن باید عناوین دو گفتار جمع‌بندی شود. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، عنوان دو گفتار سوره بینه این‌گونه بود:

گفتار یکم: «مخالفت آگاهانه اهل کتاب و مشرکان با پیامبر اسلام که حجت روشن الهی است»؛
گفتار دوم: «بیان کیفیت عذاب مشرکان و اهل کتاب در صورت مخالفت با پیامبر با تأکید بر پاداش مؤمنان».

برای جمع‌بندی عناوین دو گفتار این سوره باید به دو نکته توجه داشت: نخست آنکه از میان دو گفتار سوره، گفتار نخست نقش اصلی و گفتار دوم نقش فرعی دارد، بنابراین نقش گفتار یکم در تشخیص غرض سوره بیش از گفتار دوم است و در گفتار دوم هم مسئله اصلی کیفر دشمنان پیامبر است و بنابراین باید به این مطلب در غرض سوره اشاره شود. با توجه به دو نکته فوق عنوان مناسب برای غرض این سوره عبارت است از: «عذاب اخروی مشرکان و اهل کتاب پس از اتمام حجت بر آنها با بعثت پیامبر اسلام».

نکته دومی که برای کشف غرض سوره بینه باید مورد توجه واقع شود، بررسی مشترکات لفظی و محتوایی گفتارهای سوره است. در این سوره تکرار عبارت «الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ» در آیه نخست هر دو گفتار سوره مؤید این نکته است که مخاطب اصلی این سوره اهل کتاب و مشرکانی هستند که با رسالت پیامبر اسلام ﷺ مخالفت کرده‌اند، از این رو در غرض سوره به آنها تصریح شده است.

مرحله چهارم: تقویت غرض کشف‌شده با بررسی عناصر درون‌متنی و برون‌متنی سوره بینه
پس از کشف اولیه غرض سوره بینه با توجه به عناصر درون‌متنی و برون‌متنی سوره باید غرضی را که از

طریق جمع‌بندی عناوین گفتارها به‌دست آمده است را ارزیابی و تقویت نمود. از میان عناصر درون‌متنی و برون‌متنی مؤثر در کشف غرض سوره‌های قرآن در سوره بیّنه فقط عناصر زیر ذکر شده است که با بررسی آنها می‌توان غرض کشف‌شده را تقویت یا اصلاح کرد.

یک. بررسی نسبت آماری تکرار واژه بیّنه در سوره بیّنه با کل قرآن

در قرآن کریم فقط دو بار واژه «البیّنه» ذکر شده است و این دو واژه فقط در سوره بیّنه است. البته مشتقات بیّنه مانند واژه بیّنات به‌عنوان صفت آیات قرآن و صفت قرآن در مجموع آیات قرآن ۲۷ بار ذکر شده است اما واژه «البیّنه» که یک کلمه مستقل است و به‌عنوان موصوف به‌کار رفته باشد فقط در سوره بیّنه وجود دارد. تکرار واژه «بیّنه» و مفاهیم مرتبط با آن در سوره بیّنه نشانگر آن است که مسئله «اتمام حجت» در غرض سوره و جهت هدایتی سوره نقش مهمی دارد و مؤید صحت غرض کشف‌شده از جمع‌بندی گفتارهای سوره است، زیرا بیّنه به‌معنای حجت و دلیل روشنی است که هیچ تردیدی در حقانیت آن نیست. این واژه در آیات ۱ و ۴ سوره بیّنه تکرار شده است و در آیات ۲ و ۳ با تطبیق آن بر رسول خدا تشریح شده است و در آیه ۵ نیز با تشریح محتوای دعوت پیامبر اسلام بر بیّنه بودن و حجت روشن بودن پیامبر اکرم ﷺ تأکید شده است.

دو. تعداد آیات مربوط به موضوع اتمام حجت در سوره بیّنه

سوره بیّنه دارای ۸ آیه است که ۵ آیه آن درباره اتمام حجت بر مشرکان و اهل کتاب و یک آیه آن درباره عذاب آنان است، بدین ترتیب ۷۵ درصد حجم سوره پیرامون مطالبی است که در غرض سوره بدان اشاره شده است.

سه. رابطه اسم سوره بیّنه با غرض سوره

گرچه در برخی از منابع برای سوره بیّنه اسامی مختلفی مانند «منفکین» و «اهل کتاب» نیز یاد شده است. (سیوطی، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۲۲) اما اسم اصلی و توقیفی این سوره «بیّنه» است که به‌معنای حجت و دلیل روشنی است که هیچ تردیدی در حقانیت آن نیست این نام با غرض سوره؛ «اتمام حجت بر کافران و اهل کتاب با بعثت پیامبر اسلام» کاملاً هماهنگ است.

مرحله پنجم: دفاع از غرض سوره بیّنه

مفسرانی که به بیان غرض سوره در تفسیر خود توجه داشته‌اند، درباره غرض اصلی سوره بیّنه با هم اختلاف دارند و در مجموع سه دیدگاه متفاوت در این باره مطرح شده است.

تفسیر ساختاری سوره بینه با تبیین قواعد روش تفسیر ساختاری سوره‌های قرآن □ ۱۸۳

دیدگاه نخست: اکثر مفسران با تعابیر مختلف مسئله اتمام حجت بر مخالفان پیامبر را به‌عنوان غرض سوره ذکر کرده‌اند، برای نمونه علامه طباطبایی می‌نویسد:

آیات این سوره در سیاقی است که به قیام حجت علیه کافران؛ اعم از اهل کتاب و مشرکان به دعوت اسلامی اشاره می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۰ / ۵۷۰)

دیدگاه دوم: برخی از مفسران مانند عبد المتعال الصعیدی در کتاب *النظم الفنی فی القرآن* که توسط جعفر شرف الدین تنظیم شده است، منظور از بینه را در این سوره، قرآن دانسته است و غرض اصلی سوره را «بیان فضل قرآن» معرفی کرده است. دلیلی که وی برای انتخاب این غرض مطرح کرده این است که چون سوره بینه در نظم مصحف بعد از سوره قدر قرار دارد، بنابراین باید غرض این سوره مکمل غرض سوره قدر باشد، از این رو با توجه به اینکه سوره قدر درباره فضیلت شی است که قرآن در آن نازل شده است، سوره بینه بیانگر فضیلت خود قرآن است که با نزول آن حجت بر اهل کتاب و مشرکان تمام شده است. (شرف الدین، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۸۵) اشکال اصلی این دیدگاه این است که غرض سوره باید با توجه به سیاق‌های سوره و جمع‌بندی مطلب کانونی سیاق‌های سوره انتخاب شود نه با توجه به محتوای سوره‌های هم‌جوار.

دیدگاه سوم: گروهی دیگر از مفسران مانند سعید حوی (حوی، ۱۴۱۲: ۱۱ / ۶۶۲۱) محمود حجازی (حجازی، ۱۹۸۲: ۳ / ۸۸۸) طنطاوی (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱۵ / ۴۶۸) درباره غرض سوره بینه گفته‌اند این سوره درصدد بیان این حقیقت است که انسان‌ها در برابر دعوت پیامبر اسلام ﷺ به دو گروه تقسیم شده‌اند برخی به پیامبر ایمان آورده و به بهشت می‌روند و برخی دیگر با عناد و لجajt با دعوت پیامبر مخالفت می‌کنند و از این رو به عذاب الهی دچار خواهند شد. اشکال اساسی قرار دادن این مطلب به‌عنوان غرض اصلی سوره بینه این است که حجم اصلی سوره بینه و جهت‌گیری تعابیر به‌کار رفته در آیات آن، بیانگر این نکته است که مطلب کانونی این سوره نکوهش لجajt و عناد مشرکان و اهل کتاب است که پس از بعثت پیامبر که حجت روشن الهی است، حاضر به ایمان آوردن به ایشان نشدند، اما بیان پاداش مؤمنان به پیامبر در دو آیه پایان سوره از جهت حجم و جهت‌گیری محتوایی در حد و اندازه‌ای نیست که مطلب کانونی دوم سوره باشد و بتواند در عرض مطلب کانونی نخست مطرح شود.

۲. تفسیر ساختاری سوره بینه

پس از کشف استدلالی ساختار و غرض سوره بینه در مرحله دوم باید با توجه به کیفیت ارتباط آیات در ساختار سوره و معنای تفسیری آیات، تفسیر ساختاری سوره را به روش پیوسته ارائه نمود. با توجه غرض سوره بینه و روش گفتاربندی سوره، تفسیر ساختاری آیات این سوره بدین شرح است:

گفتار اول: مخالفت آگاهانه اهل کتاب و مشرکان با پیامبر اسلام که حجت روشن الهی است

خدای سبحان آخرین پیامبر خود را برای هدایت همه انسان‌ها مبعوث کرد و افزون بر آنکه آمدن او را توسط پیامبران پیشین بشارت داد، به او معجزاتی عنایت نمود که جای هیچ تردیدی در حقانیت او باقی نماند. اما بیشتر اهل کتاب؛ یعنی یهودیان و مسیحیان که منتظر بعثت پیامبر بودند، به ایشان ایمان نیاوردند و هم‌صدا با مشرکان مکه، به مخالفت با پیامبر برخاستند. برای کسانی که این جریان را در تاریخ مطالعه می‌کنند، این سؤال مهم مطرح می‌شود که علت اصلی ایمان نیاوردن اهل کتاب چه بوده است؟ آیا آنها به حقانیت پیامبر پی نبرده بودند یا آنکه با آگاهی از حقانیت پیامبر اسلام، بر مخالفت با ایشان پافشاری می‌کردند؟ آیات ۱ تا ۵ سوره بینه برای پاسخ به این پرسش، به دو مطلب اشاره می‌نماید:

یک. پافشاری اهل کتاب و مشرکان بر کفر خود پس از بعثت پیامبری که حجت روشن الهی است

سوره بینه با اشاره به عقاید باطل و شرک‌آمیز اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان عرب قبل از ظهور اسلام آغاز می‌شود و می‌فرماید:

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ. (بینه / ۱)

اهل کتاب و مشرکان که به اسلام کافر شده‌اند، هیچ‌گاه از عقاید شرک‌آمیز خود دست برنداشتند تا آنکه دلیلی روشن و غیر قابل انکار برای آنها آمد.

واژه «منفکین» در این آیه به معنای جدایی از قید و بند است. «لم یکن منفکین»؛ یعنی هیچ‌گاه منکران پیامبر اسلام از بند کفر و شرک آزاد نبوده‌اند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۹ / ۱۲۹)

در آیه فوق بر دو نکته مهم تأکید شده است. نخست آنکه یهودیان، مسیحیان و مشرکان مکه با آنکه خود را پیرو حضرت ابراهیم علیه السلام می‌دانستند، اما تا زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، هر یک به گونه‌ای دچار شرک و انحراف در عقاید و رفتار دینی شده بودند؛ مثلاً یهودیان عزیز نبی را فرزند خدا می‌دانستند و مسیحیان معتقد بودن حضرت عیسی فرزند خدا است و مشرکان، فرشتگان را دختران خدا می‌نامیدند و همگی احکام و قوانین دینی بدعت‌هایی را به وجود آورده بودند. (قرشی، ۱۳۷۵: ۴ / ۲۲۲)

نکته دوم این است که آنان تا زمانی که خدای متعال دلیل روشن و آشکاری برای ایشان ارائه نکرده بود، می‌توانستند ادعا کنند که از روی جهالت و عدم آگاهی به انحرافی که در طول تاریخ برای پدرانشان به وجود آمده بود، به این عقاید گرایش یافته‌اند، اما وقتی خدای متعال دلیلی روشن و غیرقابل انکار و به تعبیر قرآن، «بینه‌ای» برای آنان فرستاد، دیگر جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای آنها باقی نمی‌ماند.

«بینه» دلیل روشن و مستدل است، به گونه‌ای که هیچ راهی برای انکار آن نیست. مراد از بینه در این

آیه، رسول خدا ﷺ و قرآن کریم است و هدف از ارائه این بینه و دلیل آشکار، اتمام حجت بر مخالفان است. بنابراین معنای آیه این است که کافران از اهل کتاب و مشرکان، حتی موقعی که با آمدن رسول خدا حجت بر آنها تمام شد، دست از کفر خود بر نداشتند.

آیه بعد به معرفی این دلیل آشکار می‌پردازد و می‌فرماید: آن دلیل آشکار، فرستاده‌ای است از جانب خدا که صحیفه‌های قرآنی را که از هر امر باطلی پاک است، بر آنان تلاوت می‌کند. «رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً» (بینه / ۲) در آن صحیفه‌ها مطالبی نوشته شده است که احکام و معارف الهی را که موجب استحکام امور جامعه انسانی است، بیان می‌کند. «فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ» (بینه / ۳)

این آیات به بیان حقانیت پیامبر اسلام و درستی تعالیم او می‌پردازد و می‌فرماید: پیامبر از آن جهت مصداق بینه و دلیل آشکار الهی است که از سه ویژگی برخوردار است:

۱. با ارائه معجزات متعدد ثابت کرده است که رسول خداست «رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ»، از این رو مخالفت با او مخالفت با خداست.

۲. او هر چه بر زبان می‌راند، برخاسته از وحی الهی است و چیزی را بر مردم تلاوت می‌کند که در قرآن که صحیفه‌ای مطهر است، درج شده است. «يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً». «مطهره بودن» قرآن به معنای پاک بودن قرآن از هر گونه مطلب باطل و لغو و سخنان متناقض است. (طبرانی، ۲۰۰۸: ۶ / ۵۳۸)

۳. محتوای این صحیفه‌ها مطالب ارزشمندی است «كُتِبَ قِيمَةٌ» که با کمک آنها می‌توان جامعه انسانی را به بهترین شکل ممکن اداره کرد؛ زیرا هیچ مطلب انحرافی در آن وجود ندارد و حق را از باطل جدا می‌کند. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۰ / ۷۹۴)

دو. مخالفت آگاهانه اهل کتاب و کافران با معارف ارزشمند قرآن

با ارسال چنین حجت روشنی که هم از سوی خدا بود و هم مطالب آموزنده و هدایتگری را بیان می‌کرد، انتظار می‌رفت که همه یهودیان و مسیحیان و مشرکان به رسول خدا ایمان بیاورند، اما آنها به دو گروه تقسیم شدند و بیشتر آنها با آنکه حق را تشخیص داده بودند، به مخالفت با آن پرداختند و تنها تعداد اندکی از آنها به رسول خدا ایمان آوردند، با آنکه همه آنها قبل از آمدن پیامبر بر حقانیت او اتفاق نظر داشته و منتظر ظهور پیامبر اسلام و بعثت او بودند، همان‌گونه که آیه بعد می‌فرماید: کسانی که شریعت اسلام و کتاب آسمانی قرآن به آنان داده شد، دچار پراکندگی نشدند و به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم نشدند، مگر پس از آنکه دلیل روشنی برایشان آمد. «وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ». (بینه / ۴)

آیات بعد با تأکید بر حقانیت تعالیم پیامبر اسلام ﷺ، اهل کتاب و مشرکانی را که به پیامبر ایمان نیاورده بودند، مورد ملامت قرار داده و می‌فرماید: چرا به این آیین الهی ایمان نیاوردند، «درحالی که تنها دستوری که به آنها داده شده بود، این بود که خدا را بپرستند» «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ» و «بی‌آنکه از راه اعتدال منحرف شوند، تنها از خدا اطاعت کنند» «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً» «و نماز را بر پا دارند و زکات بپردازند.» «وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ» «و بی شک این آیین همان دینی است که مطالب ارزشمندی دارد و سعادت جامعه انسانی را تضمین می‌کند.» «وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (بینه / ۵)

مراد از «حنیف بودن» در این آیه این است که انسان از افراط و تفریط در کارها دست کشیده و میانه‌روی را برگزیند و خدای متعال دین اسلام را بدین روی حنیف خوانده است که در تمامی کارها، مردم را به میانه روی دعوت می‌کند و از آنها می‌خواهد از افراط و تفریط دوری کرده و از حدود الهی تجاوز نکنند. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۰ / ۵۷۴) این عبارت به انحرافات یهود و نصارا و مشرکان که از حد اعتدال خارج شده و برای خدا شریک قائل شدند نیز اشاره دارد. منظور از «دینُ القیمة» این است که این آیین و برنامه‌ای که انسان‌ها را به توحید و نماز و زکات فرا می‌خواند، آیینی استوار و برپادارنده سعادت بشر است و مصلحت دنیا و آخرت آنها را تأمین می‌کند. (زحیلی، ۱۴۱۱: ۳۰ / ۳۴۴)

گفتار دوم: عذاب اهل کتاب و مشرکان به خاطر مخالفت با پیامبر اسلام و پاداش مؤمنان
در گفتار قبلی به این حقیقت اشاره شد که گروهی از اهل کتاب و مشرکان با آنکه در انتظار این بودند که دلیل روشنی از سوی خدا سراغ آنها بیاید، اما بعد از آمدن حجتی روشن که پیامبر اکرم ﷺ بود متفرق و پراکنده شدند و هر کدام راهی را پیش گرفتند. در این گفتار با اشاره به دو مطلب به سرانجام کسانی که با این دعوت الهی مخالف کرده و کسانی که به آن ایمان آوردند، بیان می‌شود.

یک. کیفیت عذاب دشمنان پیامبر اسلام

نخست به فرجام کافران اشاره نموده و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا؛ کسانی از اهل کتاب و مشرکان که به این آیین جدید کافر شدند، در آتش دوزخند و جاودانه در آن می‌مانند.» علت دچار شدن آنها به عذاب همیشگی و جاودانه این است که «آنها بدترین مخلوقاتند.» «أُولَئِكَ هُمُ الشُّرُكِيُّونَ» (بینه / ۶) عبارت «شُرُّ الْبَرِيَّةِ» نشان می‌دهد در میان تمام جنبندگان و غیرجنبندگان، موجودی پست‌تر و بدتر از کسانی که بعد از آشکار شدن حق و اتمام حجت، حق را رها کرده و در ضلالت و گمراهی گام می‌نهند، یافت نمی‌شود؛ زیرا ارزش هر موجودی به آن است که در راستای هدفی که برای آن آفریده شده است، حرکت کند. جوهره وجودی انسان تعقل و حقی طلبی اوست

و انسان برای بندگی خدا آفریده شده است. (ذاریات / ۵۶) بنابراین ارزش هر انسانی به میزان پیروی او از عقل و به‌کارگیری آن در جهت کشف حقیقت و رسیدن به مقام بندگی خداست. کافرانی که به حقایق روشن الهی پشت کرده‌اند، در حقیقت عقل و فطرت انسانی خود را نادیده گرفته و یکسره خود را از مقام انسانی پایین آوردند. به‌همین دلیل کافران از همه موجودات و حتی از چهارپایان هم بدترند؛ (فرقان / ۴۴) زیرا کافران حق‌ستیز گرچه مانند حیوانات می‌خورند و بهره جنسی می‌برند، (محمد / ۱۲) اما از آنجا که حیوانات به هدفی که برای آن خلق شده‌اند، دست می‌یابند و کافران از هدف و کمال نهایی خود باز می‌مانند، از حیوانات بدترند.

دو. کیفیت پاداش پیروان پیامبر اسلام

در برابر کافران که بدترین مخلوقات هستند، «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ؛ (بینه / ۷) کسانی که به حقیقت انسانی خود پایبند بوده و به خدا و رسولش ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، بهترین مخلوقات خدا هستند». با توجه به اینکه انسان برترین مخلوق خداست، کسی که بتواند در مسیر کمال انسانی حرکت کند، می‌تواند به برترین مقام در میان موجودات عالم دست یابد، درحالی که حتی فرشتگان هر چند وظایف خود را به نحو احسن انجام می‌دهند، باز هم از همه موجودات برتر نمی‌شوند. در ادامه خدای سبحان به بیان پاداش و جزای اهل ایمان و دلیل برخورداری آنان از این پاداش‌ها می‌پردازد و می‌فرماید:

«جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا؛ سزای آنان نزد پروردگارشان بوستان‌های پایدار بهشتی است، با درختانی انبوه که از زیر آنها نهرها روان است. در آنجا برای همیشه ماندگارند».

«رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ؛ (بینه / ۸) در آنجا خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند». مراد از خشنودی خدا از مؤمنان در بهشت این است که خدا در آنجا از آنها کاملاً راضی است و آنها را به مقامی که ویژه بندگان خاصش است، وارد می‌کند و مراد از خشنودی مؤمنان از خدا در بهشت نیز این است که به دلیل آنکه خداوند بیش از آنچه آنان استحقاق داشته‌اند به ایشان عنایت نموده است و نعمت‌هایی به آنان داده است که فوق انتظار و تصورشان است از لطف و عنایت خدا بسیار راضی هستند. در پایان به علت برخورداری آنها از این همه نعمت مادی و معنوی اشاره شده و خدای سبحان می‌فرماید: «ذَٰلِكَ لِمَنْ حَٰثِيَ رَبِّهٖ؛ (بینه / ۸) این پاداش‌ها برای کسی است که مقام پروردگار در نظرش بزرگ باشد و از مخالفت با او هراس دارد».

نتیجه

یکی از روش‌های نوین در تفسیر قرآن کریم روش تفسیر ساختاری است که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به آن شده است. با توجه به قواعد تفسیر ساختاری و نکاتی که در تفسیر ساختاری سوره بینه در این نوشتار بیان شد. سه نتیجه مهم می‌توان از این مقاله برداشت کرد:

۱. با بررسی روش‌های مختلف برای کشف غرض سوره‌های قرآن مشخص می‌شود که علمی‌ترین و متقن‌ترین روش کشف غرض سوره روش استدلالی است که بر قواعد عقلایی محاوره استوار است و در آن با طی نمودن پنج مرحله غرض سوره با توجه به جهت‌گیری محتوایی سوره و عناصر درون‌متنی و برون‌متنی سوره کشف می‌شود و امکان دفاع از آن در مقابل سایر نظرات مفسران پیرامون غرض سوره فراهم می‌شود. در این روش به همه عوامل مؤثر در کشف غرض سوره توجه می‌شود، از این‌رو روشی کامل و جامع و بسیار علمی است.

۲. روش تفسیر ساختاری از امتیازها و کارکردهای ارزشمندی برخوردار است، در نتیجه باید از این روش در تفسیر همه سوره‌های قرآن استفاده نمود. یکی از مهم‌ترین کارکردهای این روش تفسیری این است که پس از کشف استدلالی ساختار و غرض سوره می‌توان معیار و شاخص دقیقی برای فهم نکات تفسیری هر سوره به‌دست آورد و با استفاده از آن می‌توان بسیاری از انحراف تفسیری و خطا در برداشت را تشخیص داد و حتی روایات تفسیری مانند روایات شأن نزول سوره را نیز نقد و بررسی کرد.

۳. با کشف استدلالی غرض سوره بینه و تفسیر ساختاری آن مشخص شد که این سوره بیانگر این حقیقت است که خدای سبحان با بعثت پیامبر اکرم ﷺ و ارائه معارف سعادت‌بخش اسلام حجت را بر کافران و اهل کتاب تمام کرده است و اگر آنها با وجود این دلایل روشن به رسول خدا ایمان نیاورند، بدترین موجودات عالم خواهند بود و مستحق عذاب الهی هستند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- بستانی، محمود، ۱۴۲۴ ق، تفسیر البنائی للقرآن الکریم، ج ۱، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حجازی، محمد محمود، ۱۹۸۲ م، التفسیر الواضح، ج ۳، بیروت، دار الکتب العربی.
- حوی، سعید، ۱۴۱۲ ق، الاساس فی التفسیر، ج ۲ و ۱۱، قاهره، دار السلام.
- خامه‌گر، محمد، ۱۳۸۳، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تهران، امیرکبیر.

- تفسیر ساختاری سوره بینه با تبیین قواعد روش تفسیر ساختاری سوره‌های قرآن □ ۱۸۹
- خامه گر، محمد، ۱۳۹۶، قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 - زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۱۱ ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دمشق، دار الفکر.
 - سیوطی، جلال الدین، ۱۳۶۳، الانتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، امیر کبیر.
 - شرف الدین، جعفر، ۱۴۲۰ ق، الموسوعة القرآنیة خصائص السور، ج ۱۲، بیروت، دار التقرب بین المذاهب الاسلامیة.
 - صابونی، محمد علی، ۱۴۲۱ ق، صفوة التفاسیر، ج ۸، بیروت، دار الفکر.
 - صافی، محمود، ۱۴۱۸ ق، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة، ج ۳۰، دمشق، دار الرشید.
 - طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۳، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
 - طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸ م، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، اردن، دار الكتاب الثقافی.
 - طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ ق، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۱۰، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
 - طنطاوی، سید محمد، ۱۹۹۷ م، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱۵، قاهره، نهضت مصر.
 - قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۵، تفسیر أحسن الحدیث، ج ۴، تهران، بنیاد بعثت.
 - مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۹، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، ج ۲۷، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

